روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسوول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۳۲-۸۸۸۱۴۲۳۰ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه • ۷ آبان ۱۳۹۳ • ۴ محرم ۱۴۳۶ • ۲۹ اکتبر ۲۰۱۴ • سال دوازدهم • شماره ۲۱۵۰ • ۱۶صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۳۱ • اذان صبح‌فردا ۴:۵۹ • طلوع آفتاب ۶:۲۴

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

آمبولانس

زندگی ۷۰۰تومانی

پوریا عالمی

● سعید زمانیان، نماینده مجلس، سوار آمبولانس شد و گفت: «با ماهی ۷۰۰، ۸۰۰هزارتومان نمی‌شود زندگی کرد.»

گفتم: دمت گرم مشکل ما را حل کردی. ما مانده بودیم اسم این کاری که ما می‌کنیم چیست، حالا مطمئن شدیم اسمش زندگی کردن نیست.

من الان به جایی رسیدم که با ماهی ۷۰۰تومان روزی شش‌ساعت آفتاب می‌گیرم. منتها فرقش این است یک‌سری ۷۰۰تومان خرج می‌کنند و آفتاب می‌گیرند تا برنزه شوند، ما آفتاب می‌گیریم فتوسنتز کنیم. بعد هم الان یک خانواده چهارنفره فقط بخواهند با نان شکمشان را سیر کنند و هرکدام روزی یک سنگک بخورند می‌شود ماهی ۱۵۰هزارتومان. روزی هزارتومان هم نفری هوای خالی بخورند، روزی پنج‌هزارتومان هم پول تاکسی بدهند که از این اداره بروند به آن بانک تا دوزار وام بگیرند، ماهی صد، ۱۵۰پول آب و برق و گاز و تلفن بدهند، ماهی ۳۰۰تومان هم قسط بانک بدهند، همین الان صدتومان عقبند. حالا اجاره‌خانه را هم آدم صاحبخانه را بوس کند و هی بیندازد عقب، خرج لباس و بهداشت و تحصیل و فلان هم که بی‌خیال. خب ثابت کردیم که برخی غر الکی می‌زنند وگرنه با ۷۰۰تومان در ماه نه‌تنها می‌توان خوب زندگی کرد که می‌توان خوب هم زندگی بکنیم.

پیشخوان

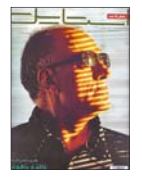

● چهارمین شماره ماهنامه «استایل» ویژه پوشش، با قیمت ۲۰هزارتومان هم‌اکنون روی دکه‌های روزنامه‌فروشی است. مارال دوستی، دبیر تحریریه این نشریه، گزارشی از دیدار یک‌روزه با عباس کیارستمی با عنوان دیدارشاگرد- استادی نوشته، روایتی که با عکس‌های متفاوت سیف‌الله صمدیان همراه است. در این گزارش مجموعه نکات ریز از وقت‌شناس‌بودن تا شیوه امضاکردن آقای کارگردان روایت شده است. در همین شماره مصاحبه‌ای هم با آیدین آغداشلو درباره تهران و استایل تهران صورت گرفته است.

کارتون خواب

علی جهانشاهی

دومین قطار اشرافی گردشگران اروپایی به تهران رسید

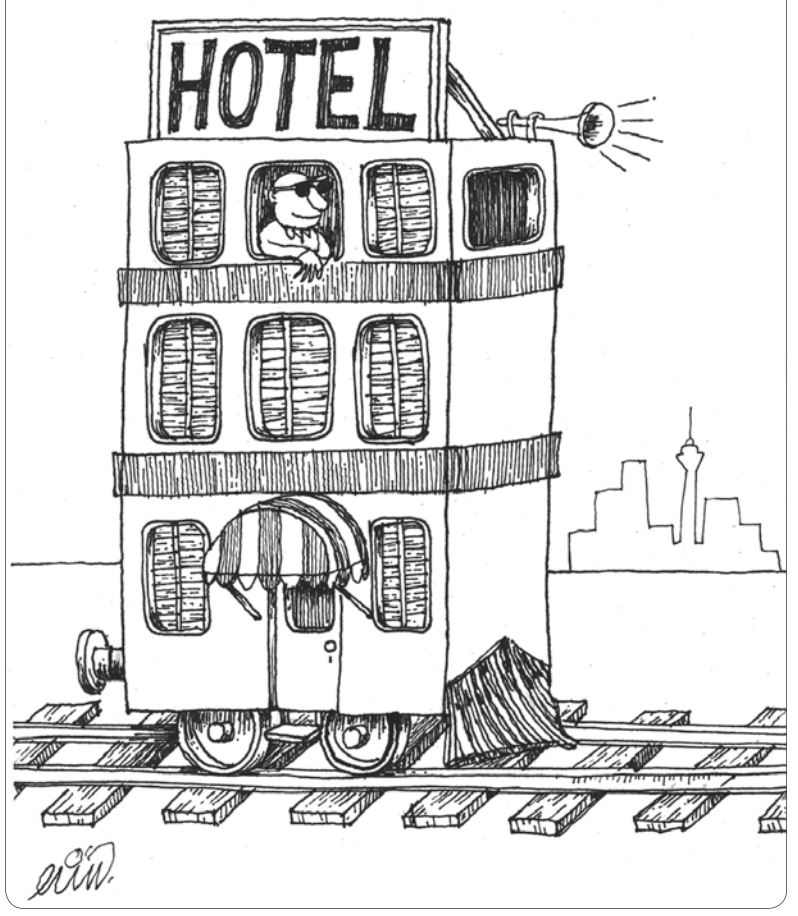

محرم گردی - ۳

کالسکه چوبی

احمد مسجدجامعی

در گوشه سمت چپ حیاط، کالسکه چوبی بزرگی قرار داشت که آن را با چادر پوشانده بودند. داخل کالسکه دو صندلی چوبی قرمزرنگ گذاشته بودند. از آقای فرخ‌رو درباره این کالسکه پرسیدم. او که پیراهن سیاه عزا و کت‌وشلواری سرمه‌ای‌رنگ به تن داشت و محاسنی سفید و بلند صورت او را جلوه می‌بخشید، کلاه قهوه‌ای‌رنگ خود را جابه‌جا کرد و در جواب گفت: این صندلی‌ها محل نشستن «ابن سعد» و «اشعث» است. او اضافه کرد ابن‌سعد را که همه می‌شناسند. به‌دنبال حکومت و به قول خودش گندم ری بود. اشعث هم یکی از سرداران سپاه اشقیا و کسی است که در ظهر عاشورا نیزه به گلوی امام می‌زند. آقای فرخ‌رو ادامه داد در روزی که تعزیه را در خارج از حسینیه اجرا می‌کنیم، این کالسکه با اسب کشیده می‌شود در حالی که بازیگران نقش این دوملعون در آن نشسته‌اند و در پشت‌سر آنها دیگر سران قوم اشقیا همچون هرمله، که سوار بر اسبند به‌دنبال آنها حرکت می‌کنند. از او درباره افرادی که نقش‌های مختلف تعزیه همچون علی‌اکبر و قاسم و ابوالفضل(ع) و هرمله و... را در گذشته و حال ایفا می‌کردند سوالاتی کردم و او در جواب گفت که در داخل اتاق حسینیه عکس‌های بیشتر آنها را از گذشته تا به حال روی دیوار زده‌اند و بنابر این از ما دعوت کرد برای دیدن عکس‌ها داخل حسینیه شویم تا درحین تماشای عکس‌ها، توضیحات لازم در این زمینه را ارایه کند. دعوت او را اجابت کرده و به‌همراه هم از پله‌ها بالا رفته و وارد اتاق حسینیه شدیم. این اتاق در قسمت شمال و مشرف بر سن محل اجرای تعزیه بود. از پشت پنجره‌های این اتاق می‌شد تمام سن را تماشا کرد. البته در هنگام نمایش تعزیه، این پنجره‌ها باز می‌شد تا افراد داخل اتاق بهتر بتوانند مراسم تعزیه را ببینند. قسمت عقب اتاق را هم به‌صورت سکوی بلندی درآورده بودند تا افرادی که در انتهای اتاق می‌نشینند هم بتوانند به‌طور کامل وقایع روی سن را ببینند. آقای فرخ‌رو در حینی که اتاق و جزییات آن را به دقت نگاه می‌کردم، به ما توضیح داد که در هنگام اجرای برنامه، ابتدا عزاداران در حیاط می‌نشینند و با زیادشدن جمعیت، تعدادی دیگر در داخل اتاق و همینطور تا انتها روی سکو می‌نشینند و به‌این‌ترتیب همه می‌توانند از هرکجای حسینیه تعزیه را تماشا کنند. از آنجا که ورودی خانم‌ها از سمت راست بود، قسمت راست حسینیه به زنان و قسمت چپ به مردان اختصاص داشت که در هنگام مراسم، این‌دوقسمت به‌وسیله چادری از هم جدا می‌شوند.

پرسه

فوتبالیست‌های فراری از سربازی به روایت مردم

سعید برآبادی: «پسرم دانشگاه «کلن» آلمان قبول شد، همه کارهاشو انجام داده بودیم جز ریز نمرات دبیرستانش. نتوانستیم ماجرای سربازی‌اش‌رو درست کنیم، از بزرگ‌ترین فرصت زندگی‌اش محروم شد اما قانون‌رو رعایت کردیم، کاش همه اینقدر تابع قانون بودن.» پسر آقای «فرجی» استعداد نمونه کشوری بوده و می‌توانسته در آلمان، متخصص داروسازی در حوزه سرطان شود اما سربازی مانع بوده و حالا پسرک دارد در علوم پزشکی سمنان داروسازی می‌خواند اگرچه می‌توانست همان‌سال با ۱۰میلیون‌تومان، کارت معافیت جعلی جور کند و به آرزویش برسد! یک قهوه‌خانه دور میدان سپاه هست که صبح‌های زود، پاتوق آدم‌هایی می‌شود که از شهرستان برای پیگیری پرونده‌های خاص سربازی بچه‌هایشان به تهران آمده‌اند و خب، عجیب نیست که در سرمای پاییزی حرف‌زدن از کارت معافیت سربازی فوتبالیست‌ها برایشان چندان راحت نباشد، خصوصا که خودشان هم در همان مهلکه گیر کرده‌اند اما به قانون تن داده‌اند. «تعدادشان زیاد نبود اما مهم بود که یک قانون را زیر پا گذاشتند. چه فرقی می‌کند معروف باشند یا مثل من. مهم این است که خلاف قانون رفتار کردند و باید حداقل سرزنش می‌شدند اما نشدند، اگر الان بچه من یک ۲ را ۴ بنویسد در این فرم‌ها، پس‌فردا یقه من را می‌گیرند اما آنها برای خودشان راست‌راست راه می‌روند و حتی رفته‌اند توی تیم‌های فوتبال.» بهادر که از شیراز برای معافیت پسرش آمده اینها را می‌گوید و ادامه حرفش را کس دیگری پی می‌گیرد که خودش برای معافیت سه برادری اقدام کرده: «همه پسرها در ایران با مساله سربازی مواجهند، طبیعی است که برخی دوست نداشته باشند خدمت بروند اما قانون است، شما می‌توانی از چراغ قرمز رد شوی و بعد بهت مدال هم بدهند؟ ببرندت توی تیم فجرسپاسی که دسته‌یک است؟» می‌گویم اگر این کار را نمی‌کردند، سرمایه‌گذاری روی فوتبال کشور حرام می‌شد و جوابشان دندان‌شکن است. «چه سرمایه‌ای از رعایت قانون واجب‌تر؟» این حرف‌های «رضا رباط‌جزی» است که به‌خاطر نداشتن یک گوش، درخواست معافیت کرده و امروز قرار است برای کمیسیون پزشکی اقدام کند: «حتی یکی از بازیکنان فوتبال ما حاضر نشد، با قهرمانی در آسیا، راست‌وحسینی معافیت بگیرد، مثل ورزشکاران دیگر کشور که خیلی‌ها قهرمانی آسیا گرفتند و معاف شدند. این تنبلی را با چیز دیگری جبران کردند.» منظورش همان پول است و البته زیرآبی‌رفتن! سپاه، از آن محله‌های باکلاس نیست که بشود فوتبالیست‌های مشهور را در ماشین‌های لوکسشان دید و ذوق کرد، اما پر است از ماشین‌های عجیب‌وغریبی که به‌سمت شمال اتوبان می‌روند و حسرت را در دل پسرهای موتراشیده و آماده خدمت باقی می‌گذارند.

پیشنهاد فردا

● شماره تابستان فصلنامه بین‌المللی و تخصصی A2 در زمینه هنر و معماری در عمان، منتشر شد. در این شماره چهار موضوع معماری مالزی، موزه‌ها در خاورمیانه، نمایشگاه و مراکز تجاری و توسعه پایدار مورد بررسی قرار گرفته است. این مجله بخشی را درباره کتابخانه ملی سنگاپور، ورزشگاه سنگاپور و... را در برمی‌گردد. همچنین مجموعه مقالاتی درباره موزه‌ها به خصوص موزه‌های کودکی و آب از جمله مطالب منتشرشده در این شماره مجله است. مجله A2 از ۹سال قبل در حوزه معماری درحال انتشار است و درحال حاضر در ایران و خاورمیانه توزیع می‌شود. احمد زهادی، مدیرمسوول و سردبیر فصلنامه معماری و ساختمان در ایران نیز هست.